



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (۷۱) فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمْرٌ أَن أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷۲) فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (۷۳)﴾

نظم آیات این سوره مبارکه یونس به این صورت بود که يك سلسله معارف الاهی را درباره مبدأ و معاد و وحی و نبوت ذکر فرمودند برای اینکه گفتار از یکنواختی بیرون بیاید و مخاطبان خسته نشوند معمولاً بعد از ذکر معارف برهانی يك سلسله قصص و داستانهای آموزنده را ذکر می کنند که این قصص و داستانها تقریباً تفسیر عملی همان معارف است یعنی خدای سبحان يك سلسله حقایقی را ذکر می کند بعد برای عینیت آن حقایق قصه های واقع شده را بازگو می کند که این هم شرح و تفصیل آن معارف است و هم فن دیگری است که مخاطب را از استمرار در يك نحوه شنیدن [و] خستگی اش نجات می دهد جریان تلاوت همان طوری که ملاحظه فرمودید مهم تر از قرائت است هر تلاوتی قرائت است ولی هر قرائتی تلاوت نیست يك قداسی را به همراه دارد و به تعبیر جناب راغب در مفردات باید این قداست باشد و تبعیت باشد تا بگویند تلاوت و گرنه مطلق قرائت است در جریان تلاوت فرمود شما داستان نوح را برای اینها تشریح کنید مستحضری که اخبار نوح (سلام الله علیه) و

طوفان نوح و قوم نوح و هلاکت قوم نوح و نجات نوح و مؤمنان نوح يك تاريخ مدونی ندارد چون آن طوفان بالاخره قسمت وسیعی از زمین را فراگرفته بود آثاری نگذاشت بعد هم تاریخی از قوم نوح و طوفان نوح مدون نیست وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق اخبار غیبی و انبای الاهی جریان نوح را عالمانه برای مردم بازگو کرد و قصه نوح هم مبسوطاً در جریانهای متعدد بازگو شد معجزه وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این است که هم از اخبار غیب باخبر بود که خدا می‌فرماید ﴿تلك من انباء الغیب نوحيها اليك﴾ و هم کتابی در این زمینه نبود و بر فرض کتابهای تاریخی در جریان حضرت نوح مدون بود وجود مبارك پیغمبر اهل کتاب و کتیبه و مدرسه و کتاب خواندن نبود طرزی جریان نوح را ذکر می‌کند در موارد متعدد که خود این قصه حضرت نوح که مبسوطاً در بسیاری از بخشهای قرآن کریم آمده با هم هماهنگ درمی‌آید يك، با سایر قصص قرآنی هم آوا هماهنگ درمی‌آید دو، با خطوط کلی معارف قرآن هماهنگ درمی‌آید سه، از اینجا فرمود ﴿لوكان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا﴾ چهار، این نشانه آن است که تمام این گفتگوها از وحی است و اینکه اگر کسی در طول سالیان متمادی به مناسبتهایی قصه نوح را ذکر بکند هم صدر و ساقه این قصه با خود هماهنگ باشد هم صدر و ساقه این قصه با صدر و ساقه سایر قصص هماهنگ باشد هم مجموع اینها با خطوط کلی معارف قرآنی هماهنگ باشد این بدون وحی الاهی نخواهد بود ﴿واتل عليهم نبا نوح﴾ آنچه که در این بخش از سوره یونس آمده به منزله شرح آیه سیزده همین سوره مبارکه یونس است که قبلاً گذشت یعنی در همین سوره یونس آیه سیزده به این صورت بود ﴿ولقد اهلكنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جائتهم رسلهم بالبینات و ما کان لیومنوا کذلک نجزی القوم المجرمین﴾ این به عنوان يك متن است در آیه محل بحث یعنی آیه ۷۱ همین سوره شرح آن متن و تفصیل آن اجمال دارد ذکر می‌شود جریان حضرت نوح را ذکر می‌کند جریان حضرت موسی را هم

ذکر می‌کند جریان حضرت یونس را ذکر می‌کند که اینها به منزله شرح آیه سیزده همین سوره است در آیه سیزده همین سوره فرمود ﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا﴾ به طور متن و اجمال ذکر فرمود الان به طور تفصیل و شرح اینجا ذکر می‌کند بعد از جریان حضرت نوح در آیه ۷۴ می‌فرماید که ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا بِهِ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَ هَارُونَ﴾ بعد قصه موسی و هارون را ذکر می‌کند بعد در بخش پایانی همین سوره قصه یونس را ذکر می‌کند که جامع این سه تا قصه جریان طوفان و آب و غرق و امثال ذلك است آنچه که در قصه حضرت نوح مطرح است دریاست آنچه که در قصه حضرت موسی مطرح است آن بخش مهمش دریاست آنچه در قصه حضرت یونس مطرح است بخش مهمش دریاست این سه قصه هماهنگ دریایی را در کنار هم ذکر می‌کند پس متن را در آیه سیزده ذکر می‌کند که می‌فرماید ما انبیایی فرستادیم اقوام آنها تکذیب کردند معذب شدند شرحش از آیه ۷۱ به بعد شروع می‌شود با بازگو کردن این سه قصه حضرت نوح قصه حضرت موسی قصه حضرت یونس که بالاخره يك مشکل دریایی هر سه قصه را همراهی می‌کند ﴿وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ﴾ نَبَأ هم همان طوری که ملاحظه فرمودید آن خبری را می‌گویند که مفید فایده مهم باشد اولاً علم‌آور باشد ثانیاً اگر علم‌آور نبود طمأنینه و غلبه ظن را به همراه داشته باشد ثالثاً اینها را می‌گویند نَبَأ و هر خبری را هم نَبَأ نمی‌گویند مثل اینکه هر خواندنی را هم تلاوت نمی‌گویند در جریان نَبَأ بین انبا و تنبئه فرق است نَبَأ ابلغ از انبأ است وقتی آن همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: «قَالَتُ مِنْ أَنْبَاءِكَ هَذَا» حضرت در جواب نفرمود انبئی فرمود: «نَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» او سؤال کرد و گفت «مِنْ أَنْبِئِكَ هَذَا» حضرت فرمود «نَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» این معلوم می‌شود نَبَأ ابلغ از انبأ است مطلب دیگر آن است که این اقوامی که آثارشان مانده میراث فرهنگی دارند نام و نشانی دارند يك جهت

خاصی هم آنها را همراهی می‌کند با آن نام معروف‌اند می‌گویند قوم عاد قوم ثمود و مانند آن قوم در قبال اینها کسی نبود آنها هم در برابر اقوام دیگر نبودند تا نام خاص داشته باشند فقط به نام پیغمبرشان معروف شدند می‌گویند قوم نوح اما قوم صالح و قوم هود نام خاص خودشان را دارند به عنوان عاد و ثمود قرآن کریم در عین حال که می‌فرماید ما صالح را برای قومش و ثمود را برای قوم خاص خودش فرستادیم صالح را فرستادیم برای قومش برای آن قوم هم نام خاص ذکر می‌کند قوم ثمود است قوم عاد جدا است اینها يك نام مخصوص دارند ولی درباره قوم حضرت نوح فقط قوم نوح است نامی ندارد چون در قبال اینها يك اقوام دیگری نبودند که اینها به این نام جدا شناخته شده باشند ﴿واتل علیهم نبا نوح اذ قال لقومه یا قوم ان کان کبر علیکم مقامی و تذکیری﴾ این بزرگ شدن یعنی سنگین بودن یعنی اگر حرف من برای شما سنگین است مانند من برای شما سنگین است يك چاره‌ای بیندیشید اصولاً حرفهای ملحدان برای موحدان سنگین است چه اینکه حرفهای موحدان هم برای ملحدان سنگین است آنها توحید را افسانه و اسطوره و افیون می‌دانند لذا تحملش برای آنها مشکل است انبیای الاهی اینها را خرافه؟ هستند افسون هستند افیون هستند به واقعیت اینها پی بردند از اصرار آنها بر کفر و فساد احساس سنگینی می‌کنند لذا جریان سنگینی يك امر متقابل است در هر دو قسمت یاد شده است خدا هم به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید اگر روش و منش آنها بر تو سنگین است راه حل دارد هم انبیا به اقوامشان گفتند اگر روش و منشی‌ها بر شما سنگین است يك چاره‌ای بیندیشید در سوره مبارکه انعام آیه ۳۵ به این صورت است ﴿وان کان کبر علیک اعراضهم فان استطعت﴾ اگر برای شما سخت است و سنگین است که شما الحاد آنها را مشاهده کنید راه حل دارد چه اینکه در آیه سیزده سوره مبارکه شوری هم به پیغمبر صل فرمود ﴿کبر علی المشرکین ماتدعوه الیه﴾ آنچه را که تو موحدانه این ملحدان را دعوت می‌کنی برای آنها سنگین است در

این آیه محل بحث هم حضرت نوح (سلام الله علیه) به آنها می‌فرمود ﴿و ان كان کبر علیکم مقامی و تذکیری بایات الله﴾ مطلب دیگر این است که علت سنگین بودن و گران بودن تذکره حضرت نوح نسبت به قومش این است که بالاخره سالیان متمادی حالا نه قرن و نیم فرموده اصرار کرده یکنواخت سخن گفته احتجاج کرده خب آنها هم بالأخره برایشان گران بود و این حرف را وجود مبارك نوح سلام الله علیه در اوایل امر نگفت در آن بخشهای پایانی فرمود ﴿ان كان کبر علیکم﴾ که مقدمه کشتی‌سازی و هلاکت قوم نوح و نجات نوح و پیروان نوح است چه اینکه سوره مبارکه یونس هم در اوایل بعثت نازل نشده بعد از اینکه سالیان متمادی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مصرانه آنها را دعوت کرد آنها هم مصرانه و ملحدانه سرپیچی می‌کردند در چنین فضایی قصه نوح ذکر شده است بنابراین در اول بعثت حرف آخر و آخرین حرف حضرت نوح ذکر نشده آن اواخر سخنان حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه به این صورت ظهور کرده است که این قصه را البته نقل کرده است خودش عنوان کُبر را ذکر نفرمود این قصه حضرت نوح را ذکر کرده که اگر بر شما سخت است ﴿ان كان کبر علیکم مقامی و تذکیری بآیات الله﴾ تصمیم بگیرید مطلب دیگر آن است که وجود مبارك نوح سلام الله علیه در حرفش مستقیم بود یعنی وقتی گفت که من توکل کردم تا آخر این مسئله توکل را حفظ کرد وقتی که خدا را وکیل گرفت گفت هیچ کاری از شما بر نمی‌آید با اینکه گروه کمی به حضرت نوح ایمان آوردند بعد از این نه قرن و اندی و قسمت مهم هم مشرکانه و ملحدانه به سر می‌بردند و بتهای فراوانی را هم تکریم می‌کردند که در سوره مبارکه‌ای که به نام نوح است سوره نوح در جزء ۲۹ قرآن به عنوان هفتاد و یکمین سوره است که این سوره به نام سوره نوح است ﴿انا ارسلنا نوحا الی قومه﴾ که آغاز آن سوره است فرمود اینها دارای بتهای فراوانی بودند و مکر اینها هم مکر کُبار بود کُبار هم يك امر صیغه مفرد است جمع نیست ﴿و مکروا

مکرا کبارا ﴿نقشه مهمی هم کشیدند سعی کردند که با این مکر کبار آن آله دروغین را حفظ بکنند بتهای فراوانی داشتند﴾ وقالوا لاتذرون آهتکم و لا تذرنّ ودا و لا سواعاً و لا یغوث و یعوق و نسرأ ﴿شما گذشته از اینکه بتهای عمومیتان را حفظ می کنید این چند تا بت را به خصوص باید حفظ کنید بت ود، سواع، یغوث، یعوق، نسر، این ود از دیرباز نام بتی بود که مورد تکریم بت پرستها بود عمرو بن عبدود همین است عمرو پسر کسی بود که پدر عمرو به نام عبدود بود ما عبدالرحمن داریم عبدالله داریم عبدالحق داریم عبدالکلیم داریم عبدالرزاق داریم آنها عبدود داشتند عمرو بن عبدود ود یکی از بتهایی بود از زمان نوح به بعد دیگر رواج داشته است﴾ وقالوا لاتذرون آهتکم و لا تذرنّ ودا و لا سواعاً و لا یغوث و یعوق و نسرأ ﴿نصر یعود یقوب سوی و ود اینها بتهای مخصوصی بودند که مورد تکریم بت پرستان نوح (سلام الله علیه) بودند نقشه آنها هم در برابر حضرت نوح يك نقشه بزرگی بود﴾ و مکروا مکرا کبارا ﴿اینکه در بخشهای دیگر قرآن کریم آمده است﴾ و ان کان مکرهم لتزول منه الجبال ﴿همین است فرمود هر نقشه و مکاری که اینها داشته باشند ولو مکر اینها کوه کن باشد در برابر قدرت لایزال الاهی چیزی نیست اینجا فرمود من﴾ فعلى الله توکلت ﴿شما هر کسی را می خواهید بگیرید بگیرید﴾ فاجمعوا امرکم ﴿يك، و شرکائکم﴾ دو، ﴿ثم لایکن امرکم علیکم غمّة﴾ سه، ﴿ثم اقضوا الی﴾ چهار، ﴿و لا تنظرون﴾ پنج که این مراحل پنجگانه در بحث دیروز مبسوطاً ذکر شد این نشانه آن است که وجود مبارک حضرت نوح وقتی توکل کرد همان﴾ واستقم كما امرت ﴿در آن مطرح است استقامتست﴾ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا ﴿درباره او به نحو اتمّ صادق است اجماع هم همان طوری که ملاحظه فرمودید همان تصمیم گیری و رهایی از تشّت در خاطره و اندیشه است گاهی مثبت است گاهی منفی است اینجا اجماع منفی است یعنی اتفاق داشته باشند بر يك امر خلاف مثل آیه پانزده سوره مبارکه یوسف که دارد برادران یوسف اجماع کردند که او را در چاه بیندازند﴾ فلما ذهبوا به و اجمعوا

ان يجعلوه في غيابت الحب و اوحينا اليه لتنبئهم بامرهم هذا و هم لا يشعرون ﴿ اجماع [را] هم ملاحظه فرمودید معنایش این است که انسان آن شك و تردید و دو دلی و اضطراب و اینها را بگذارد کنار و همه خاطراتش را یکجا جمع بکند این برای اجماع فردی که اجمع یعنی عَزَمَ اجماع در گروه هم این است که اختلاف نظرها رخت بر بندد اختلاف انگیزه‌ها و اندیشه‌ها رخت بر بندد يك تصميم جامعی گرفته شود لذا در همان سوره مبارکه یوسف آیه پانزده که دارد ﴿و اجمعوا ان يجعلوه في غيابت الحب﴾ در پایان همان سوره مبارکه یوسف آیه ۱۰۲ به این صورت آمده است ﴿ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك و ما كنت لديهم اذ اجمعوا امرهم و هم يمكرون﴾ اینها مکرانه تصمیم جدی و جامع گرفتند همه‌شان مصمم شدند بدون تفرق و اختلاف يك کسی رأی مخالف بدهد یکی ممتنع باشد نبود همه رأی موافق دادند که وجود مبارك يوسف را باید بیندازند در چاه یا از پا دریاورند فرمود تو آن وقت نبودی که اینها مکر کردند و ما چگونه يوسف را نجات دادیم اینجا هم همین‌طور است فرمود ﴿و اجمعوا امرکم ثم اقضوا الى﴾ تصمیم به نابودی من بگیرید علیه من قیام بکنید و هیچ هم به من مهلت ندهید من تصمیم خودم را گرفتم برای اینکه ﴿من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزق من حيث لا يحتسب﴾ خب اگر کسی واقعاً به ذات اقدس الاله متقیانه توکل بکند و در توکلش صادق باشد این هراسی ندارد نقل داستان حضرت نوح هم برای وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سودمند است هم برای مؤمنان به آن حضرت سودمند است هم يك هشدار ضمنی است به امت ملحدی که نپذیرفتند دعوت توحیدی پیغمبر را بعد وجود مبارك حضرت نوح می‌فرماید من هراسی ندارم آخر هراس یا برای این است که فایده‌ای [را] از دست بدهد یا ضرری ببیند هیچ چیز نیست نه از شما خیری به من می‌رسید که حالا من اگر قطعنامه صادر کنم مبارزه علنی بکنم موضع جدی بگیریم آن فایده فوت بشود نه از شما کاری ساخته است که آسیبی به من برسانید که من از این جهت هراسناك باشم ولو مکرر تان کُبار

است ولی من ترسی ندارم برای اینکه ﴿توكلت على الله﴾ لذا دلیلی ندارد که من خائف باشم برای اینکه خوف یا برای احتمال زوال منفعت است یا احتمال حدوث مضرت نه از شما ما منفعتی توقع داشتیم که حالا قطع بشود نه از شما کاری ساخته است لذا فرمود ﴿فان توليتم فما سالتكم من اجر ان اجري الا على الله و امرت ان اكون من المسلمين﴾ من مأمورم که تسلیم باشم یعنی ذات اقدس اله این وظیفه را به عهده من گذاشته است که من تصمیم خودم را بگیرم و تسلیم محض بشوم البته اسلام بر اساس ﴿ان الدين عند الله الاسلام﴾ در اینجا هم قابل تطبیق است و اما در يك چنین مورد صدور قطعنامه ای وقتی پیغمبر می گوید من یعنی حضرت نوح که از انبیای الهی (علیهم السلام) است می گوید من مأمورم که مسلم باشم یعنی مستسلم باشم یعنی مأمورم که تسلیم باشم ﴿و امرت ان اكون من المسلمين﴾

سؤال: ... جواب: نه الان دیگر دارد قطعنامه صادر می کنند اعلام موضع کرده که هر کاری که می خواهید انجام بدهید بدهید آنها هم که ﴿و مکروا مکرا کبارا﴾ نه اینکه از سنخ ﴿لکم دینکم و لی الدین﴾ باشد آن سنخ ﴿لکم دینکم و لی الدین﴾ یعنی من مأمورم مسلمان باشم شما هر چه می خواهید باشید باشید آن راه دیگر است اما در موقع قطعنامه و تهدید و موضعگیری سخت بعد هم ملحق است به اینکه ما آنها را ریختیم در دریا اینها را نجات دادیم این معلوم می شود در این حال سخن از استسلام است نه اسلام

سؤال: ... جواب: آنکه نه قرن و نیم بود ﴿لکم دینکم و لی الدین﴾ را می گفت الان من این طور هستم چون من شما را به مبارزه علنی دعوت کردم شما هم که مکر کبار دارید همه تان جمع بشوید ببینید چه کار می خواهید بکنید این بیان يك قطعنامه جدی و قاطع است از زبان يك پیغمبر این يك آمادگی خاص می طلبد بنابراین ﴿و امرت ان اكون من المسلمين﴾ ای من المستسلمین البته آن اسلام که همیشه بود برای حضرت مثل اینکه توکل همیشه بود الان



يك توكل ویژه است لذا با فای تفریع ذات اقدس الاله فرمود که وقتی وجود مبارك نوح این قطعنامه را صادر کرده موضع گیری صاف و جدی را گفته و اینها را با حفظ امور پنجگانه يك طرف نشانده خودش را يك طرف با توكل بر خدا قرار داده حالا از این سؤال می کند خب چه شد جریان؟ جوابش این است که ﴿فكذبوه﴾ آنها گفتند نه ما دست بردار نیستیم و همان روش قبلی را ادامه می دهیم حالا عذاب شروع شد خب چه شد؟ ﴿فنجیناه و من معه فی الفلك و جعلناهم خلائف و اغرقنا الذین کذبوا بایاتنا فانظر کیف کان عاقبت المنذرین﴾ این فانظر نسبت به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تسلیت است نسبت به مومنان به آن حضرت هم تایید و دلداری است نسبت به کفار مکه هشدار است سه تا خاصیت را دارد فرمود حادثه ای پیش آمد جریان طوفانی هست جریان کشتی هست حضرت نوح با همراهانش را نجات دادیم و اینها را خلفا قرار دادیم آنها را ریختیم در دریا غرق کردیم و اینها فقط وارث زمین شدند اینکه ﴿نرید ان غن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم وارثین﴾ در اینجا محقق شده است برای اینکه ما اینها را خلیفه قرار دادیم کل زمین را در اختیار اینها قرار دادیم آنها که رفتند و اینها را خلفای آنها قرار دادیم ﴿فنجیناه و من معه فی الفلك﴾ هر کس سوار کشتی حضرت نوح شد او را در خدمت حضرت نوح (سلام الله علیه) نجات دادیم و اینها را خلفا و جانشینان آن مغرّقین قرار دادیم و آن گروه تبهکار همه را غرق کردیم در سوره مبارکه نوح که اصلاً مخصوص همین کار است برای همین قصه تدوین شده است لطایف فراوانی دارد که اگر خدای سبحان توفیق داد به آنجا رسیدیم باید مطرح بشود آیه ۲۵ سوره مبارکه نوح این است که اینها مستقیماً رفتند در آتش ﴿اغرقوا فادخلوا ناراً﴾ نه «ثم ادخلوا ناراً» جهنم ما در دریا هم هست خیال نکنید جهنم آخرت و جهنم برزخی مثل جهنم دنیاست که با آب جمع نمی شود در آب نباشد ما يك آتشی داریم که در آب هم هست مثل اینکه ما يك درخت نسوزی داریم که اصلاً آبش آتش است بالأخره درخت

آب می خواهد دیگر این درخت جهنم آتشخور است بالاخره ﴿انها شجرة تخرج في اصل الجحيم﴾ تازه تمام معارف و حقایق که در يك وجب دنیا جای نمی گیرد شما مسئله برزخ و بهشت و جهنم و قیامت هم دنیایی مقایسه کنید ما يك درختی داریم که بخواد رشد بکند باید آتشخواری باشد هر چه آتش را روشن بکنی این رشدش بیشتر می شود درختهای دنیا که شما مانوسید او آب می خواهد در آیه ۲۵ سوره مبارکه نوح فرمود ﴿مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا﴾ نه «ثم ادخلوا» اینها غرق شدند بلافاصله مستقیما رفتند در آتش همین ﴿اغرقوا﴾ نه ثم ادخلوا نه با و او عطف کرد نه با ثم با فاء عطف کرد یعنی مترتب بر غرق بلافاصله سوخت و سوز است ﴿مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا فلم يجدوا لهم من دون الله انصارا﴾ اینجا ذات اقدس الاله به همه مسلمانها می فرماید توی پیغمبر بین به اینها اعلام بکن ﴿فانظر كيف كان عاقبه المنذرین﴾ ما اینها را انذار کردیم ولی اینها باور نکردند و همچنین به نقص و نقضشان ادامه دادند این هم که خدای سبحان فرمود ﴿فاجمعوا امرکم و شرکائکم﴾ بنا بر اینکه منظور از این شرکا بتها باشد که اینها اتخاذ کردند با اینکه قرآن کریم فرمود این بتها ﴿لا تضر و لا تنفع و لا یلکون شیئا﴾ این به عنوان جدال است که شما اگر اینها را منشا اثر می دانید خب از اینها کمک بگیرید نه اینکه ناظر به این باشد که چون واقعا از بتها کمکی ساخته است از اینها کمک بگیرید این طور نیست.

«والحمد لله رب العالمین»